

احسن برتری‌ها!

حجاج گفت: «در چه چیز علی را بر موسی، کلیم‌الله، برتری دادی؟»

حره گفت: «خداوند می‌فرماید: [ترسان و نگران از شهر خارج شد]. در حالی که علی (ع) شب را در رختخواب رسول خدا (ص) گذراند و نترسید.»

حجاج گفت: «احسنت! در چه چیزی او را بر داود و سلیمان برتری دادی؟»

حره گفت: «خداوند او را بر آن دو با قولش برتری داد: (ای داود ما تو را خلیفه روی زمین گردانیدیم، در میان مردم به حق داوری کن و از پی هوای نفس مرو که تو را از راه خدا منحرف سازد.)»

حجاج گفت: «داوری او در چه چیز بود؟»

حره گفت: «در باره دو مرد، مردی که تاجکستان و دیگری گوسفند داشت. گوسفندان او تاجکستان را چریدند. پس نزد داود به داوری رفتند. او گفت گوسفندان فروخته می‌شود و بهای آن در مقابل تاجکستان خرج می‌شود، تا آنکه به حالت اول بازگردد. فرزندش به او گفت: نه پدر، شیر گوسفندان گرفته می‌شود. و قول خداوند تعالی (شبیوه داوری) را به سلیمان آموختیم. در حالی که مولای ما علی (ع) می‌فرمایند: از آنچه بالای عرش است و از آنچه زیر عرش است از من بپرسید. بپرسید از من قبل از اینکه مرا از دست دهید.»

حجاج گفت: «ای حره، در چه چیز او را بر سلیمان برتری دادی؟»

حجاج گفت: «سلیمان با خدای خود راز و نیاز کرد و عرضه داشت خدایا به من ببخش پادشاهی ای که بعد از من کسی را سزاوار نباشد. در حالی که امام حق و پیشوای ما علی (ع) می‌فرماید: ای دنیا تو را سه طلاقه کردم. که هیچ نیازی به تو ندارم.»

حجاج گفت: «در چه چیزی او را بر عیسی بن مریم (ع) برتری دادی؟»

حره گفت: «و آن‌گاه که خدا به عیسی گفت: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را (سواى الله) به خدایی بگیری، گفت تو را به پاکی یاد می‌کنم، سزا نیست مرا که چیزی گویم که شایسته آن نباشم، اگر من چنین گفته بودم تو خود می‌دانستی؛ زیرا به آنچه در ضمیر من می‌گذرد، دانایی و من از آنچه در ذات توست، بی‌خبرم. زیرا تو داناترین کسان به غیب هستی و من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی، نگفتم، و عیسی (ع) داوری را به روز قیامت موکول کرد.»

حجاج گفت: «احسنت ای حره! بگو چگونه علی (ع) را بر ابراهیم برتری دادی؟»

حجاج گفت: «خداوند با قولش او را برتری داد؛ زمانی که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان بده که چطور مردگان را زنده می‌کنی؟ و امیرمؤمنان (ع) فرمود: اگر پرده‌ها کنار رود، یقین و باور من زیاد نمی‌شود. این کلمه‌ای است که احدی قبل از علی (ع) و بعد از او نگفته است.»

گردآورنده: مهدی حاتمی

دبیر علوم اجتماعی منطقه ۷ تهران

حُرّة بنتِ حَلیمه السّعدیه از محبین حضرت امیر (ع) بود. یکی از زنان مجاهد و دوست‌دار امیرالمؤمنین (ع) که زبانش کلمه حق را در مقابل سلطان ستمگر زمان خود (حجاج بن یوسف ثقفی) بیان می‌کرد. حجاج به او گفت: «خداوند تو را اینجا آورد. در مورد تو گفته‌اند که علی را از خلفای قبلی برتر می‌دانی.» حره گفت: «کسی که نقل کرده دروغ گفته است؛ زیرا من او را از همه برتر می‌دانم.»

حجاج گفت: «بر چه کسی به غیر از آن‌ها؟»

حره گفت: «بر آدم، نوح، لوط، ابراهیم، داود، سلیمان، عیسی (ع) و موسی - علیهم‌السلام.»

حجاج گفت: «هوای بر تو اگر دلیلی برای حرف‌هایت نیآوری. در این صورت گردنت را می‌زنم.»

حره گفت: من برتری ندادم، لکن خداوند عزّ و جلّ او را برتری داده است. در قرآن آمده: (و عصى آدم ربه فغوى) یعنی: آدم بر پروردگار خویش عاصی شد و راه گم کرد و در حق علی (ع) گفته است (و کان سعیکم مشکورا) یعنی از کوشش آنان سپاسگزاری شده است.»

حجاج گفت: «آفرین بر تو! به چه چیز او را بر نوح و لوط برتری دادی؟»

حره گفت: «خداوند او را بر آن دو برتری داد و به وسیله قولش: خداوند بر کافران، مثل زن نوح و زن لوط را می‌آورد که هر دو در نکاح دو تن از بندگان صالح ما بودند و به آن دو خیانت کردند و آن‌ها نتوانستند از زنان خود دفع عذاب کنند و گفته شد: با دیگران در آتش درآیید. در حالی که علی (ع) گل و سرشتش در سدره‌المنتهی بود و همسرش، دخت پیامبر اکرم (ص)، که خداوند با رضایت او شادمان می‌شود و بر خشم او خشم می‌گیرد.»

حجاج گفت: «احسنت ای حره! بگو چگونه علی (ع) را بر ابراهیم برتری دادی؟»

حجاج گفت: «خداوند با قولش او را برتری داد؛ زمانی که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان بده که چطور مردگان را زنده می‌کنی؟ و امیرمؤمنان (ع) فرمود: اگر پرده‌ها کنار رود، یقین و باور من زیاد نمی‌شود. این کلمه‌ای است که احدی قبل از علی (ع) و بعد از او نگفته است.»



منبع

مجلات، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعة، ج ۴: ۱۴۴-۱۴۵